



شناسایی و تحلیل تاریخی سیاست‌های شهری عضالدوله دیلمی وعوامل موثر آن

پیرزاد زمانی^۱

چکیده

سیاست‌های شهری که به هدف برقراری نظم و مدیریت شهرها انجام می‌شود، در طول تاریخ شهرنشینی ایران متغیر بوده اند. برخی از این سیاست‌های شهری باعث توسعه شهرنشینی و برخی دیگر باعث زوال شهرها شده اند. برای ادامه رونق شهرنشینی در کشور و عبور از بحران‌ها علاوه بر شناسایی این سیاست‌ها، بایستی از عوامل تاثیرگذار بر روند این سیاست‌های شهری نیز کمک گرفت. براساس اهمیت موضوع فهم این عوامل و سیاست‌ها، این پژوهش برای شناخت عوامل مهم و زمینه ساز و تاثیرگذار بر سیاست‌های شهری عضالدوله دیلمی و شناسایی عملکردهای شهری وی صورت گرفت. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تاریخی و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است. روشن گردید که عواملی چون وابستگی خانوادگی، مکان ولادت، مذهب تشیع، اقتدار سیاسی، علاقمندی به تمدن ایران باستان باعث ایجاد عملکردهایی همچون ایجاد باغشهر و شهرجدید صنعتی، نوسازی شهری، برقراری امنیت، توجه به کشاورزی، توجه به سلامتی و نشاط شهروندان و فضای سبز شهری و آزاد اندیشی در شهرهای این دوران شد. این عملکردهای ۳۴ ساله عضالدوله باعث شد دوران وی از درخشان‌ترین دوره‌های رونق شهرنشینی در ایران باشد و در نتیجه فرضیه ارتباط مستقیم بین ثبات سیاسی ناشی از عملکرد یک پادشاه با رونق شهرنشینی در ایران تایید می‌گردد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های شهری، عضالدوله دیلمی، توسعه شهرنشینی، عملکرد شهری

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

مقدمه

امروزه در بررسی‌های جغرافیایی شهرها از ایدئولوژی حاکم بر شهرها، تحلیل تصمیمات حکومتی در مورد خلق فضای فیزیکی و اجتماعی شهرها، سخن به میان می‌آید. (شکویی، ۱۳۷۹: ۱۰) یکی از مشخص‌های متغیر شهرها در طول تاریخ، قدرت و پیچیدگی سیاسی بوده است. به گونه‌ای که یکی از موضوع‌های مهم و جالب توجه برای پژوهشگران شهری معاصر، روند تغییرات، عناصر و ابعاد قدرت‌های سیاسی شهرها بوده است. (فنی، ۱۳۹۳: ۱۸۵) سیاست‌های شهری در واقع تلاش مدون و دانش محوری است که برای برقراری نظم، مدیریت و هدایت نیروهای تشکیل دهنده سیستم‌های شهری صورت می‌گیرد. برخی از مطالعات بر نظریه سیاست‌های شهری تاکید دارند که عمدتاً بر دو سوال محور قرار دارد. یکی اینکه قدرتهای شهری در دست چه کسانی یا گروههایی است و دیگر اینکه با این قدرت چه عملکردهایی دارند. (فنی، ۱۳۹۳: ۱۷۷) سیاست باعث ایجاد و گسترش مکان‌های شهری می‌شود و نظام مدیریتی و نظارتی نقش مهمی در موفقیت‌های شهرنشینی در یک دوره تاریخی دارد. قرن چهارم هجری قمری در ایران یکی از درخشان‌ترین دوره‌های شهرنشینی در ایران است. یکی از پادشاهانی که در این قرن بر ایران حکومت می‌کرد و بخش زیادی از این پیشرفت مدیون اقدامات و سیاست‌های او بوده است، عضالدوله دیلمی است. اینکه سیاست‌های شهری عضالدوله چه بود و چه عواملی زمینه ساز این سیاست‌ها بوده است، یکی از مهمترین سوالاتی است که کوشش می‌کنیم با کمک روش تاریخی و با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به این دو سوال پاسخ بگوییم. هدف این مقاله بررسی عملکردهای شهری عضالدوله دیلمی و شناسایی عوامل موثر بر این سیاست‌هاست. تحلیل اینکه وی از چه مبانی فکری برای اعمال این سیاست‌ها سود می‌برده است. یکی دیگر از اهداف این مقاله بررسی فرضیه ارتباط بین ثبات سیاسی ناشی از عملکرد یک پادشاه با رونق شهرنشینی در ایران است. اهمیت این درک این عوامل و سیاست‌های شهری می‌تواند برای حل پاره‌ای از مشکلات شهری زمان حاضر، راه‌گشا باشد.

روش پژوهش

این پژوهش براساس ماهیت و روش یک پژوهش تاریخی است که در آن با استفاده از اسناد و مدارک معتبر، ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده و حادثه تاریخی و دلایل بروز آن تبیین می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۵۳) منابع این پژوهش، شامل منابع دست اول که مستقیماً در ارتباط با پدیده قرار می‌گیرند و منابع دست دوم که به طور غیرمستقیم در ارتباط با حادثه قرار دارند و به اتکا منابع دست اول تهیه می‌شوند، است. همچنین تاکید بیشتر بر منابع دست اول و یا نزدیکتر به آن‌ها بوده است. این منابع از نظر نقد بیرونی به کمک مقایسه آن‌ها با شواهد تاریخی بررسی شدند و از صحت تعلق آنها به موضوع مورد مطالعه اطمینان حاصل شده است. همچنین از نظر نقد درونی یعنی ارتباط آن‌ها با موازین عقلی و اطلاعات سایر منابع مورد بررسی قرار گرفته اند. روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه ای با ترکیبی از متن خوانی، تصویر خوانی، آمارخوانی و سند خوانی بوده است تا با شناسایی عوامل تاثیرگذار بر سیاست‌های شهری عضالدوله به فرایند شهرنشینی در دوره وی بپردازد هم چنین در این مقاله راستی آزمایی نظریه ارتباط مستقیم بین ثبات سیاسی و تثبیت حکومت مرکزی و توسعه شهرنشینی صورت گرفت.

عوامل موثر بر شکل گیری سیاست‌های شهری عضالدوله

شناخت عوامل به ما برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های شهری عضالدوله و فهم نشانه‌های مستقیم آن کمک می‌کند همچنین به نحوه شکل گیری این سیاست‌ها و عملکردهای شهری وی پاسخگو خواهد بود.

یک. عوامل اجتماعی و جغرافیایی

در میان عوامل تاثیرگذار بر سیاست‌های شهری عضالدوله برخی عوامل اجتماعی و جغرافیایی و برخی دیگر عوامل فردی هستند. تفکیک این دو عوامل به روشن شدن بحث کمک می‌کند. هدف اصلی بیان این عوامل تبیین سیاست‌های شهری عضالدوله است. تعلق به خانواده ای

سلطنتی، مکان ولادت، تعلیم و تربیت و اهل تشیع بودن وی از عوامل اجتماعی و جغرافیایی و خصوصیات شخصیتی، اقتدار و علاقمندی وی به ایران باستان از عوامل فردی تاثیرگذار بر سیاست‌های شهری عضالدوله هستند.

۱. تعلق به خانواده سلطنتی

عضالدوله شاهنشاه، پسر بزرگ و جانشین رکن الدوله و یکی از نامورترین شخصیت‌های این دوران در ۵ ذی القعدة ۳۲۴ هجری قمری معادل ۲۴ سپتامبر ۹۳۶ میلادی در اصفهان زاده شد. لقب عضالدوله (بازوی دولت) را خلیفه مطیع (۹۶۲/۳۵۱) به او بخشیده بود. نام او ابوشجاع فنا خسرو بود. ابوشجاع کنیه پدر بزرگش بویه بود که نامش را به این خاندان داده بود. فنا خسرو، نامی ایرانی، نام پدر جدش نیز بود. حیات سیاسی وی در سال ۳۳۸ق/۹۴۹ میلادی آغاز شد یعنی هنگامی که نوجوانی ۱۳ ساله بود در مقام فرمانرایی فارس، با کرسی آن شیراز، جانشین عمومی بی فرزندش، عماد الدوله شد. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۰) در زمان تولد وی پدرش، رکن الدوله، فرمانروای قسمتی از ایران بود و طبیعی است از کودکی با خصوصیات پدر، خو گرفته است. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۵۰) در اصفهان در مجلس رکن الدوله رسماً ابوشجاع پناه خسرو عضالدوله را ولیعهد و وارث ملک خویش معرفی کرد. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۴۰۰) مدت پادشاهی وی از زمان مرگ عمادالدوله که در شیراز به جای او نشست، ۳۴ سال و شاهنشاهی او در بغداد ۵ سال و ۶ ماه و ۴ روز بود. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۱۹۰)

۲. مکان جغرافیایی ولادت

مکان ولادت عضالدوله، شهر اصفهان بود. وی از دوران کودکی تا سن سیزده سالگی در این شهر زندگی می‌کرد گو اینکه قبل از حکومت پدر وی، حاکم اصفهان مردآویج زیاری بوده است. همین تجربیات زندگی در این شهر باعث ایجاد عملکردهای شهری وی در شهر شیراز و بغداد شد.

در باره نقش این عامل که بعدها باعث ایجاد شهر جدید کردفناخسرو در کنار شیراز شد، مافروخی در کتاب محاسن اصفهان می‌نویسد: «بازاری بود بر دروازه جور که آن را بازار جورین گفته اند. در فصل نوروز هر سال، تمامت اهل اصفهان، هر کس به حسب حال طبقات و درجات، به الوان اسباب، ماکول و مشروب و آلت مطلوب و مرغوب، مدت یک دوماه بدانجا نقل کرده اند و به لهو و لعب و نشاط و طرب حظی اوفی از زندگانی برداشته، چون روز نوروز رسیده، چندین بازار ساخته و عوام در میان آنجا چون دریا بر دریا در تموج، پیوسته آن مدت گذرانیده. چون فنا خسرو عضالدوله در آن جا در حال صغر سن و ایام نقوش آن اوضاع و رسوم در نفوس مرتکز گشته بود، به وقت آن که بر مملکت فارس مستولی شد، در شیراز، در موضعی که آن را «سوق الامیر» می‌گویند، بازاری شبیه بازار جورین بنا کرد و به لهو و لعب و معاشرت و مطایبت، مشغول [شد]». (مافروخی، ۱۳۸۵: ۴۱)

۳. تعلیم و تربیت

طبق راه و رسم معمول زمان، چند نفر از دانشمندان بنام آن روز برای تعلیم و تربیت عضالدوله معین شدند که یکی از آنان ابوالفضل بن عمید قمی وزیر دانشمند آل بویه بود که به او ادب آموخت و در تهذیب اخلاقش کوشش کرد. عضالدوله از درس بهترین معلمان خود برخوردار بود و همواره به معلمان خود افتخار می‌کرد. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۵۰)

۴. پیروی از مذهب اهل بیت

از ظواهر امر چنین بر می‌آید که عضالدوله، شیعه دوازده امامی بوده است. به سه دلیل که کرومر استدلال می‌کند: «در کتیبه ای نوشته شده به فرمان او در تخت جمشید در سال ۳۶۳ ق ۹۷۴ میلادی نام دوازده امام همراه با تحیات مرسوم ذکر شده است و همچنین مرمت و نوسازی مرقد امام علی (ع) و امام حسین (ع) و آخر اینکه دفن وی در جوار مرقد امام علی (ع) در شهر نجف از تمایلات شیعی بودن عضالدوله حکایت دارد. (کرومر، ۱۳۷۵: ۸۲) به نظر می‌رسد مذهب وی در رفتار مشفقانه وی با سایر ادیان و مذاهب نقش اساسی داشته است.

دو. عوامل فردی

با بررسی سیاست‌های شهری عضالدوله دیلمی به نظر می‌رسد افزون بر عوامل اجتماعی و جغرافیایی، چندین عامل فردی هم بر روند سیاست‌های شهری وی تاثیر گذار بوده اند. از این رو لازم است تا این عوامل شناسایی و تبیین تاریخی شود. مانند اقتدار، ویژگیهای مطلوب اخلاقی وی و علاقمندی به تمدن ایران باستان. منظور از عوامل فردی عواملی هستند که محرک شکل‌گیری سیاست‌ها و فعالیت‌های شهری عضالدوله بوده اند.

۱. اقتدار عضالدوله

اغلب مورخان عضالدوله را یکی از قدرتمندترین پادشاهان ایران به شمار می‌آورند و اذعان دارند که در پنج سال و نیمی که در بغداد حکومت می‌کرد، عملاً خلفای عباسی در برابر وی قدرتی نداشتند.

فقیهی در کتاب خود در وصف عضالدوله می‌نویسد: «از صفات بسیار بارز عضالدوله، هیبت و عظمت او بود که هیچکس در هر مقامی، قدرت کمترین سرپیچی از فرمان او را نداشت. از زمخشری نقل شده است که مردی عضالدوله را چنین وصف کرد: «صورتی که هزاران چشم بود و دهانی که در آن هزار زبان و سینه‌ای که در آن هزاران قلب بود.» (فقیهی، ۱۳۴۷: ۸۲)

کرومر هم به قدرت زیاد عضالدوله اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عضالدوله، از هر بابت، نیرومندترین امیر آل بویه بود و در فرمانروایی او بود که این خاندان به اوج تشخص و قدرت امپراتوری خود دست یافت.» (کرومر، ۱۷۵: ۳۷۰) و در جای دیگری می‌نویسد: «خلافت در دوران حکومت عضالدوله به نهایت ذلت رسید و عضالدوله بزرگترین فرمانروای آل بویه، کم‌اهمیت‌ترین وزیران (جای شگفتی نبود) را داشت.» (کرومر، ۱۳۷۵: ۷۶)

لیاقت عضالدوله خواجه نظام الملک وزیر بزرگ و سنی مذهب سلجوقیان را هم به تحقیر واداشته است به طوری که در کتاب خود، سیاستنامه، ضمن نقل حکایت خیانت در امانت یک قاضی و برخورد عضالدوله با وی می‌نویسد: «از دیلمان هیچ پادشاهی، بیدارتر و بزرگتر و پیش

بین تر از عضالدوله نبوده است و عمارت دوست داشتنی و بلند همت و با سیاست بود.» (نظام الملک، ۱۳۷۱: ۸۸)

برخی دیگر از مورخان اقتدار عضالدوله را در موارد دیگری هم دانسته اند. مثلاً عباس اقبال آشتیانی در وصف وی می‌نویسد: «عضالدوله اگرچه آن حسن سیرت و صفای اخلاق پدر و اعمام خود را نداشته لیکن به علت فتوحاتی که کرد و بذل و بخشش او و سلطتی که به شعرا می‌داد و احتراماتی که به اهل فضل نموده و ابنیه ای که ساخته، مشهورترین فرد خاندان بویه شده است.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۴۰۳)

۲. علاقمندی به تمدن ایران باستان

در این میان عضالدوله به شاهنشاهی ساسانی علاقه ای ویژه داشت. در سکه ای که در شیراز در سال ۳۵۰ ق/ ۹۶۱ میلادی ضرب شد، رویکرد ایرانی عضالدوله در لقب « امیر عادل » دیده می‌شود. اما لقبی که بیش از همه به ساسانیان اشاره دارد « شاهنشاه » فارسی است. همچنین مدالی در سال ۳۵۹ در فارس ضرب شده است، در هر دو طرف تصویر عضالدوله را در حالی نشان می‌دهد که تاجی به شکل تاج‌های اواخر دوره ساسانی به سر دارد. روی مدال و در دوطرف، این نوشته دیده می‌شود. « فر شاهنشاه فزون باد » و در پشت مدال این عبارت وجود دارد « شاه پناه خسرو عمرش دراز باد ». (کرومر، ۱۳۷۵: ۸۵)

در سنت ایرانی شاهنشاه را اهورا مزدا چنین وصف می‌کند « روزی ده و حمایتگرو ناظر عالم » از شاهنشاه انتظار می‌رفت که بر مجاری آبیاری نظارت کند، برای سالهای قحطی تدارک ببیند و بذر کشاورزان را تامین کند . احیای اراضی نیز عملی پسندیده بود. « (لمپتون: ۱۳۶۲: ۱۶)

عضالدوله به سنت شاهان بزرگ چشم دوخته بود. او در بنای امپراتوریش و در توسعه شهرها و اصلاح راههای ارتباطی و شیوه آبادی و کشاورزی به آرمان و شعار پادشاهان ایران باستان تجسم بخشیده بود. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۹)

عضدالدوله با زنده کردن آداب و رسوم ملی ایران که از انقراض ساسانیان تا دوران وی متروک مانده بود، خدمات ارزنده‌ای به میهن ما عرضه داشت و در راه تجدید استقلال کشور و زنده نگهداشتن آداب کهن این مرز و بوم تلاش بسیار کرد و به منظور برانداختن نفوذ اعراب و محو قدرت آنان در نقاط مختلف ایران و حتی مرکز خلافت یعنی بغداد بر عنصر ملیت و میهن دوستی توجه داشت (رضایی، ۱۳۷۲: ۳۱۲)

عضدالدوله آگاهانه درصدد کسب جایگاه و مقام شاهنشاهی فرهمند ساسانی با همان الزامات و کارکردها بوده است. البته وی به عنوان یک فرمانروای مسلمان شیعه معتقد، با درک شرایط جامعه خود، به دنبال ایجاد تلفیقی از الگوهای ایرانی - اسلامی با گرایش شیعی بوده و در این مسیر، بیشترین کامیابی را داشت. (بیگدلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵)

۳. خصوصیات شخصیتی عضدالدوله

شاید بهترین توصیف از شخصیت عضدالدوله را کرومر ارائه داده است، آنجا که می‌نویسد: «عضدالدوله مستعد ملایمترین عواطف و سخت‌ترین بی‌رحمی بود. او نمونه این اجتماع ضدین عاطفی در دوران آل بویه بوده است. (کرومر، ۱۳۷۵: ۵۶) از میان آل بویه، عضدالدوله زیاد نذر می‌کرد.» (فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۸۲) به به آبادانی و زیبایی شهرها و بناهای مجلل و تاسیسات عام المنفعه سخت علاقه مند بود (همان منبع: ۲۴۲) وی کوشش می‌کرد درآمدش زیاد و خرجش کم باشد، درهمی خرج بی‌مورد نمی‌کرد و در مورد خرج‌های غیرلازم بیش از اندازه امساک می‌کرد. (همان منبع: ۴۲۴)

از میان پادشاهان آل بویه تنها عضدالدوله فرصت یافت تا اندکی به امور مملکتی و آبادی شهرها بپردازد وی به تشویق بزرگان مناطق و دانشمندان، مساجد، بیمارستان و ساختمان‌های عمومی بسیاری را بنیان نهاد و به اصلاح کاریزها و چاه‌ها همت گمارد. همچنین قسمتی از دارایی‌های دولت را برای رفاه حال افراد تهیدست اختصاص داد. (فیض اله زاده، ۱۳۸۶: ۳۶۸) مقدسی در توصیف عضدالدوله دیلمی می‌نویسد: عضدالدوله از شاهان بزرگ روزگار بود و در کشور اسلام آثاری شگفت‌انگیز دارد، نبینی چه شهرها که ساخته و چه نهرها که شکافته و چه نامها که

نهاده و چه نوها که آورده است.» (مقدسی، ۱۳۶۲: ۶۴۶) وی پادشاهی مسامحه کار بود و شراب خواری و فعالیت خرابات خانه‌ها را کاملاً جایز می‌دانست. (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۵) برای حفظ نظم و قانون با خشونت و حتی وحشیگری رفتار می‌کرد. (کرومر، ۱۳۷۵: ۶۲) و در زمان خود ده درصد به اصل خراج افزود و اولین پادشاهی بود که زمین‌های وقفی را غصب کرد (لمتون، ۱۳۶۲: ۸۲ و ۹۰)

سیاست‌های اجرایی شهری عضالدوله

به باور اغلب مورخان، عصر عضالدوله از درخشان‌ترین اعصار توسعه و رونق شهرها بوده است. (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۹۵) مراد از سیاست‌های اجرایی شهری وی، آن عملکردهای است که عضالدوله با تاثیرپذیری از عوامل گفته شده، در شهرهای مختلف انجام داده است. آن طور که از کتاب‌های مسالک و ممالک بر می‌آید در زمان عضالدوله به نقطه‌ای شهر گفته می‌شد که دارای منبر باشد و نماز در آن برپا شود و خطبه ایراد گردد. (فقیهی ۱۳۵۷: ۵۹۵) اگر خلفا یا امیران می‌خواستند مکانی را به شهر تبدیل کنند، اجازه می‌دادند در مسجد آن منبر بگذارند و امیر و صاحب خراجی نیز به آن شهر اعزام می‌کردند. (شکویی، ۱۳۷۹: ۷۴) ایجاد باغشهر و شهر جدید صنعتی، نوسازی و بهسازی شهری، برقراری امنیت، توجه به کشاورزی، ترویج آزاد اندیشی، توجه به سلامتی و نشاط شهروندان، توجه به فضای سبز در شهرها و جلوگیری از رفتارهای مذموم مانند گدایی در شهر از مهمترین عملکردهای شهری عضالدوله دیلمی به شمار می‌رود.

۱. ایجاد باغشهر و شهر جدید صنعتی

در متون برنامه ریزی شهری، نظریه باغشهر یا شهر جدید را به ابنزر هاوارد و نظریه شهر جدید را به تونی گارنیه نسبت می‌دهند اما قرن‌ها قبل از این دو صاحب نظر شهری، عضالدوله دیلمی یک باغشهر و شهر جدید صنعتی «کردفنا خسرو» در حومه شهر شیراز احداث کرد و در

این شهر جدید هم به فضای سبز و هم به کاربری صنعتی توجه کرد. و دلیل ایجاد آن هم بسیار مشابه دلیل ایجاد شهرهای جدید امروزی است.

ابنزر هاوارد به دلیل مشکلات شهر لندن در پی انقلاب صنعتی ایده باغشهر یا شهر جدید را ارائه داد. (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۵) مشکلات پیش آمده در شهر شیراز به روایت حمداله مستوفی هم باعث ایجاد شهر جدید کردفناخسرو شد. «در عهد عضالدوله شیراز چنان معمور شد که در او جای لشکر نماند در قبله شیراز (جنوب غربی) قصبه ای ساخت و لشکریان را در آن نشاند. فنا خسرو گرد خواندی و عوام سوق الامیر خواندندی و این قصبه به مرتبه ای رسید که ۲۰ هزار دینار حاصل داشت. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۴) مقدسی هم در ذیل شهر «کرد فنا خسرو» می‌نویسد: «فناخسرو همان عضالدوله است که در نیم فرسنگی شیراز نقشه شهری بریخت بزرگ همانند سرخس و نهری بزرگ برای آن از یک مرحله راه کوهستان بشکافت تا از میان شهر بگذرد و هزینه بسیار بر آن بنهاد و هنوز از زیر خانه وی روان می‌باشد. پس پهلوئی آن را به درازای یک فرسنگ باغ ساخت و پشم ريسان و بافندگان خز و دیبا و همه برکان^۱ را بدانجا برد، که امروز در آنجا کار می‌کنند، نبینی که نامش هنوز بر آن نوشته است پس جامعی برایش بساخت و فرماندهان او نیز در آنجا خانه و باغ‌های خوب بساختند. پس جشن سالانه برقرار کرد که برای سرگرمی در آن گرد می‌آمدند.» (مقدسی، ۶۴۳-۶۴۲)

محمد مراد بن عبدالرحمان (قرن ۱۱ هجری) در مورد این شهر جدید می‌نویسد: «شهری است که بنا کرده آن را عضالدوله نزدیک شیراز و آورد به آنجا جویی بسیار بزرگ از یک روز راه و مال بسیاری بر این کار انفاق نموده و در جنب آن باغی احداث کرده که وسعت آن مقدار یک فرسنگ است و چون از شق نهر و رسانیدن آب به آنجا فراغ حاصل کرد و آن در ۲۲ ربیع الاول سنه سیصد و پنجاه و چهار بوده، آن روز را روز عید و شادی مقرر نمود که هر سال از نواحی و جوانب، خلقی بسیار به آنجا جمع شوند و به لهو لعب و طرب و عیش و نشاط و مباشرت و انبساط، هفت روز به آنجا بگذرانند و خز و دیبا و صدف و امثال آن از نفایس به آنجا سازند و

^۱ - برکان گلیم برکانی و به عضالدوله برمی‌گردد که نامش بر حاشیه گلیم‌های ساخت آنجا نوشته می‌شده است.

حکم کرد که نام وی را بر پشت آن نقش بندند و سراها و مقرها به آنجا بنا کردند و آن بیشتر سبب معموری و آبادانی آنجا گشت و به قاضی آنجا در خیانت در امانت مثل زنند. (محمدبن عبدالرحمان، ۱۳۸۳: ۳۱۹) عضالدوله شاید با نگاه به شهرهای ساسانی دریافته بود که باید شهر جدید را در کنار رودخانه‌های پرآب بنا نهاد و همچنین وقتی شهری ساخته می‌شد از چشمه‌ها و یا رودخانه‌های اطراف، نهرهایی به درون شهر کشیده می‌شد. وی با هزینه گزاف نهری در شهر خویش، کردفناخسرو، حفر کره بود تا آب موردنیاز اهالی تامین گردد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۶۵)

شهر جدید کردفناخسرو براساس گونه شناسی و طبقه بندی شهرهای جدید، در طبقه شهرهای جدید پیوسته قرار می‌گیرد. این اصطلاح را هاروی پارلوف برای توصیف شهرهایی که در محدوده شهرهای موجود احداث می‌شوند، به کار برد. در واقع این الگو برای رفع انباشتگی‌های مسکونی شهر مرکزی در جوار آن ایجاد می‌گردد. بنابراین هدف از ایجاد آن‌ها سازماندهی فضایی و تراکم زدایی از مادرشهر است. (زیاری، ۱۳۷۸: ۴۳) کرد فنا خسرو نقشه ای شطرنجی، بازارهای بزرگ و محلات باشکوهی داشت. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۷۱) وی به فرماندهان و نزدیکان خود زمینی داد که آباد کنند. (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۹۴) اگرچه به روایت مورخین این شهر بعدها ویران شد و در حومه شهر شیراز ادغام گردید، اما اینکه شهری جدید به شکل باغشهر به دلیل مشکلات شهر مرکزی ایجاد شود و در آن کارگاه‌های بافندگی ایجاد و بافندگان جمع شوند، از جمله ابتکارات عضالدوله است.

۲. نوسازی و بهسازی شهری

عضالدوله برای اجرای سیاست نوسازی خود از اهرم‌هایی مانند تشویق، اجبار و اعطای وام از بیت المال و وقف استفاده می‌کرد. عمده ترین اقدامات نوسازی و بهسازی شهری در زمان او در شهر بغداد انجام شد.

وی بغداد را پس از دوره ای از هرج و مرج و آشوب، تجدید عمارت کرد و جلال و شکوه سابقش را به آن برگرداند. عضالدوله دستور داد ساختمان‌ها و خیابان‌هایی که در اثنای فتنه در تله‌های ویران برجا مانده بود، تجدید عمارت و در غیر این صورت تخریب و سوزانده شود. وی نوسازی را با مساجد جامع که کاملاً ویران شده بودند، آغاز کرد و در این راه از صرف مبالغ هنگفت دریغ نورزید. در قدم بعد به مالکانی که اموالشان نابود شده بود، تکلیف کرد که این مستغلات را با همه ساختمان‌ها احیاء کنند و برای انجام دادن این کار وام‌های سهل اوصولی از خزانه در اختیارشان گذاشت. وی رسم تخریب اماکن و فروختن مواد و مصالح آنها را ممنوع کرد و دستور داد که باغ‌های حیاط خانه شیرازی و نیز باغ الزهرا را که در میانه بغداد بود، احیاء کنند. مناطق متروکی که لانه سگ‌ها و محل ریختن خاکروبه شده بود، از گل و گیاه و عمارت‌های جدید پوشیده شد. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۵)

بغداد از بین رفته بود، عضالدوله آنرا از نو به وجود آورد، پیر و فرتوت شده بود، آن را به شادابی و جوانی برگردانید. سرچشمه درآمدهای مردم که خشکیده بود، جاری ساخت. به آبادانی پرداخت، بیمارستان بنا کرد، املاک و اموال زیادی وقف نمود، وسایلی که لازم داشت از نواحی مختلف به آن جا حمل کرد. عضالدوله مردم را تشویق می‌کرد تا برای زیبایی شهر خود، باغها و مزارعی که خراب شده و از میان رفته بود، آباد نمایند و درخت‌ها در آنها بنشانند. ثروتمندانی که منزل‌هایشان در دو طرف دجله بود را وادار کرد تا در زیبایی ساختمان و منظر خانه‌های خود دقت بسیار به کار برند. صاحبان املاک و باغ‌هایی که در ایام عضالدوله و جنگ‌های او با عضالدوله سوخته و بی مصرف شده بود، ملزم کرد که آنها را به بهترین حال آبادانی و زیبایی برگردانند و به هر کس از مالکان که دست تنگ بود، از بیت المال قرض می‌داد تا هنگام توانایی، دین خود را ادا کند. نتیجه اقدامات مزبور این بود که بغداد به نیکوترین و آبادترین صورتی که ممکن بود، درآمد. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۲۴۳) عضالدوله در مدت امارت خود در بغداد بعد از قتل عضالدوله بختیار که ۵ سال و نیم طول کشید، بسیاری از عمارات بغداد را که خراب شده بود، را تعمیر کرد. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۴۰۳)

۳. برقراری امنیت

توسعه شهرنشینی در طول تاریخ ایران پیوسته با ثبات سیاسی و تثبیت حکومت مقتدر مرکزی ارتباط مستقیم داشت. هر زمان که در کشور حکومتی مقتدر به وجود آمده و امنیت عمومی از جمله امنیت شهرها، راهها و کاروانها تامین شده است، با رونق تجارت، شهرنشینی نیز رونق گرفته است برعکس در دوره‌های بی ثباتی سیاسی و فروپاشی حکومت مرکزی و هجوم بیگانگان، زندگی شهری و توسعه شهرنشینی نیز دچار رکود و بحران شده است. (شاه حسینی، ۱۳۸۹: ۱۳) عضالدوله تمام شهرها و نواحی مختلف را از وجود مفسدان و راهها را از وجود دزدان و راهزنان پاک کرد. اهل فساد چه در شهرها و چه در بیابانها از او در وحشت بودند. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۷۵) وی در متوقف کردن قبایل غارتگری که پیوسته مدنیت و امنیت را تهدید می‌کردند، نیز موفق شد. سیاستی که او اتخاذ کرد مبتنی بر تخلیه قبایل غارتگر و استقرار کشاورزان آرامش طلب به جای آنها بود. یکی از اقدامات او به کار گرفتن نیروهای امنیتی داوطلب (حمایت) نوعی دفاع غیرنظامی بد وی برای اینکه بغداد و نواحی دوردست را آرام نگهدارد، جاسوسان و خبررسانان آزاد داشت. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۷) در میان امیران آل بویه، عضالدوله در قلع و قمع راهزنان کوشش بسیار کرد و امنیت کم سابقه ای بوجود آورد از تدبیرهای بسیار عاقلانه و موثر در جلوگیری از راهزنی این بود که جمعی از بادیه نشینان را که به راهزنی می‌پرداختند در صحرای بین فارس و کرمان سکونت داد. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۵۸۷) پیش از روی کار آمدن عضالدوله، شهر بغداد بارها دستخوش آشوبها و کشمکش‌های شهری شده بود. زندگی اساسا نامطمئن بود. قحطی مکرر و بیماری واگیردار و جنگ جامعه را به محنت مبتلا ساخته بود، حکومت از مقابله با این اوضاع ناتوان بود. عضالدوله این هرج و مرج فراگیر را تا حدی فرو نشاند. پس از درگذشت وی، وضع دشوار و سخت زندگی مردم شروع شد (کرومر، ۱۳۷۵: ۶۲) عضالدوله افرادی را مامور کرد تا شب و روز مواظب سدها و رودخانه دجله باشند تا مبادا در موقع طغیان آب، آسیبی وارد آید. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۱۴۳) عضالدوله با اقتدار مثال زدنی خود و ایجاد حکومت مرکزی مقتدر و با ثبات سیاسی در مدت بیش از سه دهه فرمانروایی به رونق تجارت و توسعه شهرنشینی کمک زیادی کرد.

۴. توجه به کشاورزی

از آنجا که نقش غالب شهرهای ایران در گذشته، نقش کشاورزی بوده، رونق کشاورزی و افزایش مزاد محصولات کشاورزی نقش مهمی در توسعه شهرها داشته است. از طرف دیگر توجه به کشاورزی باعث افزایش درآمد هم می‌شد.

یکی از عواملی که موجب فزونی درآمد شد، تشویقی بود که عضالدوله در امر سدبندی و پیشرفت در زراعت و باغداری از مردم می‌نمود و کمک‌هایی که به عنوان مساعده برای اقدام به امور مربوط به کشاورزی به مردم می‌کرد و توجه مخصوصی که خود مستقیماً نسبت به آبادانی از جهات گوناگونی مبذول می‌داشت. وی نسبت به آبادانی و احداث باغ و پیشرفت زراعت و سدبندی همواره کوشش می‌کرد، دیگران را هم دوستانه وادار می‌کرد تا قدر توانایی در آباد کردن اراضی و املاکی که در اختیار داشتند، بکوشند و در این راه انواع تشویق‌ها را به عمل می‌آورد. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۲۴)

اقدامات عضالدوله در زمینه آبیاری و زراعت این بود که صاحبان املاک را وادار می‌کرد در آبادانی زمین و باغ خود بکوشند و هرکدام که استطاعت مالی نداشت، از خزانه و بیت‌المال به او قرض می‌داد. نهرهایی که پر شده بود و مجاری آن محو گردیده بود، دستور می‌داد پاک کردند و در زمین‌های بی حاصل و بی صاحب درخت نشانند و بادیه نشینان را مجبور کرد در یک محل ساکن شوند و به امر زراعت بپردازند. (کرومر، ۱۳۷۵: ۷۸۶) یکی از مهمترین اقدامات وی در زمینه کشاورزی، احداث بند امیر بر روی رودخانه کر در فارس بود. این بند تنها اثر عضالدوله است که تاکنون سالم مانده است.

وی بر رودخان کر با دیواری بلند، بندی بسته که زیرسازی آن از سرب می‌باشد. آب پشت این سد بالا آمده، دریاچه ساخته است. در دوسوی آن همانند آنچه در خوزستان است، ده دولا ب نهاده شده که زیر هر دولا ب آسیابی سوار شده است. امروزه اینجا از شگفتی‌های دیدنی فارس به شمار است که شهری در آنجا با گرمابه‌های خوب و جامعی زیبا ساخته شده، کاریزها آب را به سیصد دیه می‌رسانند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۱) بند امیر برای مشروب ساختن جلگه کربال در زیر استخر فارس بر روی رودخانه کر ایجاد شد. (رمضان، ۱۳۷۲: ۲۹۴ و اقبال آشتیانی،

۱۳۸۶: ۴۰۳) آب کر فارس رودی بخیل است که تا بندی بر او نبسته اند، هیچ جای به زراعت ننشسته است. یکی از بندهایی که بر آن آب است، بند عضدی است که در جهان مثل آن عمارت نیست از محکمی و نیکویی، ولایت کربال را آب می‌دهد. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۱۹) از آب برکه ای که به این ترتیب ایجاد شده بود، برای راه انداختن تعدادی آسیاب آبی و آبیاری زمین‌های کشاورزی استفاده کرد. در این دوره کشاورزی توسعه یافت و زمین‌های زیادی زیر کشت رفت، جغرافی دانان و مورخان این عصر از رونق کشاورزی و صادرات محصولات کشاورزی خبر داده اند. (حدود العالم: ۱۳۶۲: ۱۲۶) وی در میان سلاطین آل بویه به ترویج کشاورزی و عمران و ساختن آسیاها و تعمیر سدها کوشید و تازیان بادیه نشین را در زمین‌های موات فارس و کرمان مستقر کرد. (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۱۸)

۵. شار آزاد و آزاداندیشی

دوره عضدالدوله با نیکبختی فرهنگی مربوط بود. تسامح و تساهل روش اندیشمندان طبقه حاکم باعث رخ دادن عصر رنسانس اسلامی در این دوره شد. وی چنان امنیتی پدید آورد که کسی با زبان تعصب دینی به دیگری هجوم نمی‌برد. دوره وی دوره گشایش و قبول اندیشه‌های بیگانه بود. (کرومر، ۱۳۷۵: ۶۶) اودر مورد سایر ادیان و مذاهب معتقد به تساهل بود و با این اعتبار پیروان آنها را مورد آزار و بی احترامی قرار نمی‌داد. وی حتی درباره پیروان دیگر مذاهب رفتاری مهرآمیز و مشفقانه داشت و در مورد لازم از وجود آنها در مشاغل مهم نیز استفاده می‌کرد. فی المثل وزیر وی عیسوی بود. (رضایی، ۱۳۷۲: ۳۱۱) دولت آل بویه با تکیه بر میراث روزگاران پیش و با ابداع مجدد روش‌های کهن و تعریف آنها در زمان، تحرک اجتماعی بسیاری را در قلمرو تحت سلطه خویش ایجاد می‌کند. آزادی مذهب، آزادی اندیشه، رجوع به مفاهیم برادری و برابری و ... نیروی محرکه سازماندهی فضایی - کالبدی شار این دوران می‌گردند. به همین دلیل است که قرن چهارم هجری به عنوان یکی از مقاطع مهم و بامعنای شهرگرایی و شهرسازی کشور محسوب می‌گردد. در این عصر است که شهرهای بزرگی چون سیراف، ری، اصفهان، نیشابور، توس، جرجان، شیراز (فناگرد خسرو) و... نام خود را در تاریخ ثبت

می‌کنند و از دیدگاه زندگی شهری با بغداد و دیگر شهرهای بزرگ بین‌النهرین به رقابت می‌پردازند. نکته مهم در این دوران این است که مجموع محلات شهری بدون هیچ برتری قومی، مذهبی، نژادی و... بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شوند. امری که به عنوان یک استثنا چه در دوران قبل و چه در دوران بعد مطرح می‌گردد. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۷۱)

دوره زمامداری عضدالدوله با تساهل نسبت به اقلیت‌های غیرمسلمان تشخص خاصی یافته بود. یکی از وزیرانش نصر بن هارون مسیحی بود و مسیحیان دیگری در خدمت داشت. ابونصر خوامشاد مجوسی، معتمد وی و خزانه‌دارش بود. وی ر سال ۳۶۹ق/۹۷۹ میلادی دوره آشوب داخلی در شیراز، هنگامی که مسلمانان خانه‌های مجوسیان را غارت کردند، مقصران حادثه را به شدت تنبیه کرد. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۹)

داستان تسامح دینی آل بویه به گونه‌ای بود که پیروان ادیان مختلف در کنار هم به زندگی مسالمت‌آمیز می‌پرداختند و حتی شاهی چون عضدالدوله، وزرایی با اعتقادات گوناگون و از مذاهب مختلف داشت و با آنان به خوبی به سر می‌برد. این مسئله است که کرومر آن را «انسان‌گرایی اسلامی» می‌نامد. (فدایی عراقی، ۱۳۸۳: ۲۲) در زمان وی آزاد اندیشه و آموزش مورد توجه قرار می‌گیرد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۴۷) عضدالدوله به واسطه نصر بن هارون اجازه داد تا مسیحیان کلیساهای خود را تعمیر کنند و دستور داد صدقات او شامل حال فقیران اهل ذمه هم شد (فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۸۸)

۶. توجه به سلامتی شهروندان

یکی از اهداف برنامه ریزی شهر توجه به سلامت شهروندان است. در این زمینه عضدالدوله با احداث بیمارستان‌هایی در شهر بغداد و شیراز به این مهم توجه کرد.

یکی از مهمترین خدمات عضدالدوله به آسایش رعایایش و به تمدن این دوره احداث بیمارستانی بود که به نام بیمارستان عضدی خوانده شد. این بیمارستان در غرب بغداد و در کرانه رود دجله قرار گرفته بود و در آن تدریس نیز دایر بوده است. (کرومر، ۱۳۷۵: ۳۷۶)

وی بیمارستان عضدی را در سال ۳۷۱ هجری قمری بنا کرد و در ماه صفر ۳۷۲ یعنی هفت ماه قبل از وفاتش آن را افتتاح نمود. بهتر این است که گفته شود که این بیمارستانی بود که قبلاً در بغداد وجود داشت و عضالدوله آن را تعمیر یا تجدید بنا کرده است. دلیل این امر مندرجات کتاب تاریخ الحکماء قفطی است که در چندین مورد می‌گوید بیمارستانی که عضالدوله نبه تجدید آن یا تعمیر آن همت گماشت. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۴۷)

وی نسبت به این بیمارستان علاقه وافری داشت از این جهت ۲۴ نفر از بهترین پزشکان آن زمان را از نواحی مختلف گرد آورد و برای خدمت در آن و معالجه بیماران و آموزش پزشکی تعیین کرد. (سلطانزاده، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

در احداث این بیمارستان از روش مکان یابی استفاده شده است. ابن ابی اصیبعه از قول بعضی از روایان چنین می‌گوید که محمد زکریای رازی از کسانی بود که بیمارستان عضدی با رای ایشان بنا شد. عضالدوله با او مشورت کرد که کدام نقطه برای بنای بیمارستان مناسب است. رازی به یکی از غلامان خود دستور داد در هر یک از دو طرف قطعه گوشتی آویزان نماید، سپس ناحیه ای که گوشت دیرتر در آن فاسد شد، رای بنای بیمارستان مناسب تشخیص داد. در این بیمارستان مجلس درسی نیز ترتیب داد تا شاگردان طب، مسائل مربوط به این علم را فرا گیرند. بیمارستان عضدی در بغداد از بزرگترین بیمارستان‌های اسلامی محسوب می‌شده است که امروز از آن بنای عظیم، اثری برجای نیست. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۴۸)

۷. توجه به شادی شهروندان

از دیگر عملکردهای عضالدوله در شهرها، توجه به شادی و نشاط شهروندان بوده است. وی به مناسبت‌های مختلف، اعیادی را در طول سال برای سرگرمی و نشاط شهروندان وضع کرد.

مثلاً او دو عید برقرار ساخت که هر یک از آن دو را جشن کرد فنا خسرو گویند یکی از آن دو روز، سروش از فروردین ماه بود و در این روز بود که عضالدوله آب را از چهار فرسخ به قصبه ای که ساخت و یک فرسخ تا شیراز است و کرد فنا خسرو گویند، بیاورد. روز دوم روز هرمز است

که در آبان ماه است و آن روزی است که عضالدوله در بنای این شهر شروع نمود و این واقعه در سال ۳۳۳ یزدگردی بود و در هر دو روز بازاری بود که هفت روز طول می‌کشید و مردم برای سرگرمی به دور هم جمع می‌شدند. (بیرونی، ۱۳۵۲: ۳۰۳)

۸. توجه به فضای سبز شهری

هرچند در شهرهای قدیمی ایران در دوره عضالدوله به دلایلی چون بافت فشرده شهری و وجود فضای سبز در حیاط خانه‌های متمرکز به ایجاد فضای سبز در مکان‌های عمومی و خیابان‌ها توجه چندانی نمی‌شد. اما در منابع تاریخی نشانه‌هایی وجود دارد که عضالدوله به فضای سبز شهری توجه خاصی داشته است.

اودستور داد انواع گل از نواحی مختلف ایران به بغداد ببرند و در باغ‌ها و باغچه‌ها بکارند. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۷۰۲) وی به ثروتمندان دستور داد هر زمین بی حاصل و خرابی که منافی ندارد، درخت بکارند و چند سرای بزرگ را که به صورت ویرانه‌ای درآمده بود را به باغ تبدیل کرد. (فقیهی، ۱۳۴۷: ۱۴۵)

۹. وضع نام شهر و منطقه

جور (گور) شهری خوش آب و هوا است و ایرانیان آن را گور تلفظ می‌کنند و چون گور در فارسی به معنی قبر است و عضالدوله بویه ای برای گردش بسیار بدانجا می‌شد و مردم می‌گفتند شاه به گور رفت، یعنی شاه به قبر رفت، عضالدوله را این نام خوش نیامد، پس آن را به فیروز آباد مبدل گردانید که به معنی «پیروزی» است. (حموی، ۱۳۸۳: ۹۹)

عضالدوله اقلیم خوزستان را «هفت خوره» خوانده و مردم آنرا به این نام شناختند و من نیز چون مخالفی ندیدم از آن پیروی کردم. شاهان در علم جغرافیا همانند یاران پیامبر اختیار قانونگذاری دارند که هرگاه یکی از ایشان نظری دهد که در صحابه مخالفتی نداشت، حجت و قابل استناد خواهد بود. (مقدسی، ۱۳۶۲: ۶۰۵)

۱۰. جلوگیری از گدایی در شهرها

یکی از اقدامات عضالدوله جلوگیری از گدایی بود، گداها در آن زمان، در بغداد تشکیلات مفصلی داشتند که گدایان تحت نظر آن کار می‌کردند و کسانی بودند که گداها از آنان تعلیم می‌گرفتند. وی دستور داد هیچ گدایی از کسی سوال نکند، بلکه قرآن بخواند تا هر که مایل بود به او احسان کند (فقیهی، ۱۳۴۷: ۷۹-۸۰)

۱۱. سیاست‌های شهری عضالدوله در شیراز

شیراز یکی از پایتخت‌های اصلی عضالدوله بوده است، وی در این شهر عملکردهای قابل توجهی داشته است. مقدسی که در دوران دیلمیان از شیراز دیدن کرده بود می‌نویسد: «حکومت شیراز در دست دیلمیان است، نخستین کسی که بر آن چیره شد، علی بن بویه بوده که به خود لقب عمادالدوله داد و چون جانشین نداشت، برادر زاده خود عضالدوله را به فرزندی گرفت؛ پس به جایی بنشست و در شیراز سرایی بساخت که در خاور و باختر مانندش ندیده ام. هیچ کس آنرا ندید جز اینکه اگر عامی بود، دلباخته آن شد و اگر عارف بود به یاد بهشت افتاد و آنرا نمودار خوبیها و خوشی‌های بهشت شمرد. هنگامی که استاد ظریف به شیراز آمده بود، در این باغ از وی پذیرایی شد، پس آنرا آراستند فرش کردند و او در آن به گردش پرداخت و من با وی بودم. نهرها در آن بریده، گنبدها برپا داشته، بستانها و درختانها گردش فرا نهاده، استخرها در آن کنده، نیازگاهها برایش ساخته بود. از سرفراش آن شنیدم می‌گفت که: سیصد و شصت خانه و اتاق هم کف و بالاخانه است که هر روز از سال در یکی از آنها می‌زیست و هیچیک مانند دیگری در ساختمان و فرش و پرده و تخت همانند دیگری نبود. یک کتابخانه جدا نیز دارد که زیر نظر یک سرپرست و یک کتابدار و یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می‌شود. هیچ کتابی نیست که تاکنون در دانش‌های گوناگون تصنیف شد باشد مگر نسخه اش بدانجا آورده است. فهرست‌هایی نیز دارد که نام کتابها در آن روشن شده است. دربانان بر در کتابخانه ایستاده و کسی جز آبرومندان بدان راه نیابند. نهر ابی که توان گردانیدن یک آسیا دارد در طبقه پایین روان است، از یک مرحله راه تا درون این شهر نوساز بکشید. که در طبقه

پایین با تندی می‌گذرد و به برخی از خانه‌ها و دالان‌ها روان است. برای طبقه بالا نیز کاریزی دیگر از دو فرسنگی کشیده که از روی بامها می‌گذرد و بر روی چارطاقی حصیری آب می‌باشد. پندارم عضالدوله این‌ها را از روی اخباری که در وصف بهشت شنیده، ساخته بود.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۹-۶۶۸)

بیمارستان شیراز که توسط عضالدوله ساخته شد، موقوفات بسیاری داشت و دارای پزشکان حاذق، پرستاران و کارکنان ماهری بود. (سلطانزاده، ۱۳۶۵: ۹۴) وی احتمالاً دارای املاکی بوده که بعضی از آن‌ها را برای بیمارستان عضدی فارس وقف کرده بود. (لمتون، ۱۳۶۳: ۱۳۰)

عضالدوله از سال ۳۳۸ ه ق / ۹۴۹ میلادی تا سال ۳۶۷ ه ق / ۹۷۷ میلادی به مدت ۲۸ سال در شیراز حکومت کرد، مردم شیراز به عضالدوله، امیر می‌گفتند، سوق الامیر و بند امیر از نشان‌های آن است. به اوملک هم می‌گفتند. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۵۹۴) در شیراز وی به بنای آب انبار پرداخت. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۴۰۳) قاضی القضاة وی در پایتخت (شیراز) مستقر بود و در کار قضاة نظارت می‌کرد و از سوی خود قضاتی به شهرهای اطراف کشور می‌فرستاد. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۱۸۱) و در حال احداث یک یا دو محله بزرگ با بازارهای زیبا در شیراز بود، که از این کار بازماند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۲) در شیراز نیز دژی در کله کوه از ساخته‌های عضالدوله است که هزینه بسیار برایش نهاده و چاهی در آن کند که تا پایین کوه می‌رسد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۵) هر چند شیراز در زمان حکومت عضالدوله بارو نداشت و باروی آن در زمان صمصام الدوله بن عضالدوله احداث شد. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۴)

۱۲. اقدامات عضالدوله در شهرهای دیگر

براساس منابع تاریخی عضالدوله علاوه بر عملکردهایی که در شهرهای بغداد و شیراز به عنوان دو پایتخت اصلی خود داشت، اقداماتی نیز در سایر شهرهای ایران انجام داده است. وی سرایی با چهار درب که درون آن سرای دیگر برای فروش پارچه بود، در کازرون ساخت و سمساران را در آن گرد آورده است و سودش برای سلطان روزی ده هزار درم می‌باشد. سمساران در این شهر کاخ‌های زیبا استوار دارند. (مقدسی، ۱۳۶۲: ۶۴۶) وی برای رامهرمز بازاری ساخته که من)

مقدسی) به از آن ندیده ام، پاکیزه، ظریف، آینه کاری، سنگ فرش و نقاشی شده است. دروازه‌ها دارد و بازار بزازان آن قیصریه‌هایی زیبایی دارد. در شهر اهواز بین دو بخش فارس و عراقی پل «هندوان» که با آجر ساخته شده پیوند می‌دهد. در کنار آن مسجدی است زیبا و مشرف بر رودخانه که عضالدوله این پل و مسجد را به طور شگفت‌انگیزی نوسازی کرد تا مگر به نام وی خوانده شود ولی مردم آن را جز «پل هندوان» نمی‌نامند. و همچنین در قرماسین کرمانشاه، کاخی ساخت که کنار جاده است. (همان منبع: ۶۱۷-۶۱۴)

نتیجه

نقش برخی از پادشاهان در ایجاد و رونق شهرهای تاریخی ایران قابل توجه است. آنها با ایجاد شهرهای جدید و انجام عملکردهای مطلوب شهری باعث رونق معیشت در شهرها می‌شدند. یکی از پادشاهانی که در قرن چهارم هجری قمری نقش مهمی در رونق شهرنشینی ایران داشت، عضالدوله دیلمی بود. دلیل رونق شهرنشینی در دوران پادشاهی وی، وجود ثبات سیاسی و تثبیت حکومت مقتدر مرکزی بوده است. در این دوران امنیت عمومی تامین شد و با رونق تجارت، شهرنشینی هم رونق یافت. رونق شهرنشینی، از سیاست‌های شهری عضالدوله ناشی می‌شد. به نظر می‌رسد سیاست‌های شهری وی متأثر از برخی عوامل اصلی مانند تعلق به خانواده ای سلطنتی، مکان ولادت، تعلیم و تربیت و اهل تشیع بودن و برخی از عوامل فرعی مانند خصوصیات شخصیتی، اقتدار و علاقمندی وی به ایران باستان بوده است. او در طول ۳۴ سال پادشاهی خود عملکردهای شهری گوناگونی مانند ایجاد باغشهر، شهرجدید صنعتی، برقراری امنیت، توجه به فضای سبز، توجه به سلامتی و نشاط شهروندان، توجه به آزاد اندیشی و عدالت و جلوگیری از رفتارهای مذموم شهری مانند گدایی داشته است. عملکردهای شهری وی عمدتاً در شهر شیراز و بغداد صورت گرفت. بنابراین فرضیه پادشاه و شهرنشینی در ایران را که بیانگر این است که توسعه شهرنشینی در طول تاریخ ایران با عملکرد پادشاهان در زمینه ثبات سیاسی و تثبیت حکومت مقتدر مرکزی ارتباط مستقیم داشت، تایید می‌شود.

منابع

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۶) *تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه*. تهران: انتشارات بهزاد، چاپ پنجم.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲) *ترجمه آثار الباقیه*. به کوشش اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات ابن سینا، چاپ اول.
- بیگدلی، علی و کوه کن، محمودرضا (۱۳۹۴) بازبانی الزامات و کارکردهای نهاد شاهی در عصر عضالدوله، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی. سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۸۲-۵۵؛ حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶) *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۲) *تاریخ ده هزارساله ایران از ساسانیان تا انقراض آل زیار*، جلد دوم، تهران: انتشارات اقبال و مروی، چاپ چهارم.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸) *برنامه ریزی شهرهای جدید*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵) *مقدمه ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران*، انتشارات نشرآبی، چاپ اول.
- سلطانزاده، حسن (۱۳۹۰) *تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه شمس*. انتشارات چهارطاق، چاپ اول.
- شاه حسینی، پروانه و رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۹) *شهرشناسی تطبیقی ایران با تاکید بر استان‌های مازندران و هرمزگان*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

شکویی، حسین (۱۳۷۹) *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.

حبیبی، محسن (۱۳۸۶) *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات موسسه چاپ دانشگاه تهران، چاپ هفتم.

حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، چاپ اول.

حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۸۳) *معجم البلدان*. جلد دوم، ترجمه علینقی منزوی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاون معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور.

فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۳) *حیات علمی در عهد آل بویه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۴۷) *شاهنشاهی عضدالدوله*. تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷) *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*. نموداری از زندگی مردم در آن عصر، انتشارات صبا، چاپ اول.

فنی، زهره (۱۳۹۳) *مطالعات و جغرافیای شهری معاصر*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

فیض اله زاده، عبدالعلی (۱۳۸۶) احوال و اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی در دوران آل بویه از دیدگاه مورخان و نویسندگان عرب، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۴، تابستان، صص ۳۸۲-۳۶۱.

کرومر، جوئل (۱۳۷۵) *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: انتشارات مرکز دانشگاهی، چاپ اول.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۷) *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.

لمتون، آن.ک.س. (۱۳۶۳) *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*. ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

لمتون، آن.ک.س. (۱۳۶۲) *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر اسدی، انتشارات مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ سوم.

مافروخی اصفهانی، مفصل بن سعد (۱۳۸۵) *محاسن اصفهان*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، انتشارات سازمان فرنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول.

مجتهد زاده، غلامحسین (۱۳۷۷) *برنامه ریزی شهری در ایران*، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.

مستوفی، حمداله (۱۳۶۲) *نزهة القلوب*، به اهتمام و تصحیح گای استرانج، مقاله سوم در صفت بلدان و ولایات و بقاع، انتشارات ارمغان، چاپ اول.

محمد مراد بن عبدالرحمان (۱۳۷۱) *ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد*، به تصحیح سید محمد شاهمرادی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱) *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم بخش دوم*، ترجمه علینقی منزوی، انتشارات کاویان.